

- پنجشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۳**
- سال شانزدهم- شماره ۲۸۷۷**

سپهرغرب، گروه فرهنگی؛ چند سالی است یک سنت حسنه در شهرها و روستاهای ایران شکل گرفته و آن برگزاری جشن ویژه عید غدیر تحت عنوان میهمانی غدیر است میهمانی بزرگی که مردم بانی آن هستند و وسعت ایران اسلامی محل میزبانی از میهمانان است آنقدر این محفل انس نورانی و معطر به نام علی(ع) مبارک است که رهبر انقلاب اسلامی سال ۱۴۰۱ در دیدار ائمه جمعه برگزاری جشن غدیر را نشان دین‌داری دانستند و فرمودند: «این جشن غدیر در تهران خیلی چیز عجیبی بود! نمیدانم شما دیدید یا خیر؛ من خودم در تلویزیون نگاه کردم دیدم؛ بعضی‌ها هم که رفته بودند، آمدند برای ما تعریف کردند. دیدید چه جوری در این جشن میزبان می‌بودیم، همه جور آدمی شرکت کردند؟ اینجا طرفدار دینند، اینجا دوست دارند دین را.»

محمدباقر باایاهادی پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام) به مناسبت ایام عید غدیر و برگزاری مهمانی‌های گسترده در سراسر کشور در یادداشتی به بررسی ثمرات و کارکردهای اجتماعی مهمانی غدیر پرداخته است.

انقلاب اسلامی و ظهور هویت دینی ملت ایران امروز شاید برای بسیاری از مردم حرکت‌هایی چون جشن غدیر، راهپیمایی اربعین حسینی، جشن‌های نیمه شعبان و تجمعات مذهبی دیگر، امری بسیار عادی به حساب بیاید که به راحتی همراه با خانواده در آن حاضر می‌شوند و کوله‌باری از معنویت و دیدداری و افزایش حس نشاط و امید را با خود به خانه می‌برند. اما اگر از دیدگاه تاریخ و مقایسه این تجمعات دینی با ایران پیش از انقلاب یا سایر کشورهای جهان به موضوع نگاه کنیم جشن غدیر و نظایر آن جایگاه مهمتری پیدا می‌کند.

پیش از انقلاب اگر هم جشن مذهبی و تجمعی بود، محدود و قائم به افراد محدودی در شهر بود که کارکرد اجتماعی به معنای واقعی نداشت، هرچند بسیاری از همان تجمعات پایه‌های انقلاب اسلامی را بنا نهاد اما نکته اصلی این است که حرکتی در قامت یک ملت آن هم به خصوص در امری مذهبی ندیده بودیم. جشن‌های گرانقیمت و پرزرق و برق ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، ویتروینی مهمانان خارجی را فراهم می‌کرد و مبالغ سنگینی از جیب ملت برای تفریح آن خانواده منحوس

سپهرغرب، گروه فرهنگی؛ رهبر انقلاب درباره

عملکرد جمهوری اسلامی درباره‌ی عدالت فرمودند: «در مورد عدالت ما عقب‌مانده هستیم... در دهه‌ی پیشرفت و عدالت بایستی هم در پیشرفت موفق می‌شدیم، هم در عدالت؛ در پیشرفت به معنای واقعی کلمه موفق شدیم، [اما] در زمینه‌ی عدالت، باید تلاش کنیم، باید کار کنیم، باید از خدای متعال و از مردم عزیز عذرخواهی کنیم.» ۲۹/۱/۱۳۹۶ و در جای دیگر فرمودند: «حکومت امیرالمومنین در زمینه‌ی اقامه‌ی عدل، حمایت از مظلوم، مواجهه‌ی با ظالم و طرفدارانِ حق در همه‌ی شرایط، الگویی است که باید از آن تبعیت شود.» ۱۶/۰۹/۱۳۸۰ به مناسبت فرارسیدن عید سعید غدیر خم گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام حامد کاشانی، کارشناس تاریخ اسلام، عملکرد امیرالمؤمنین در مسئله‌ی عدالت و مبارزه با ظلم را بررسی کرده است.

به‌عنوان اولین سؤال مهم‌ترین چالش و مانع در اجرای عدالت در جامعه چیست؟

چالش اصلی ما در بسیاری از موضوعات حکمرانی به‌ویژه در مسئله‌ی عدالت، الگوی حکمرانی ما است. ما به یک الگوی جامع حکمرانی هم در مسئله‌ی عدالت، هم در سیاست خارجی و هم در سیاست‌های کلان نیاز داریم. ما در سیاست مدوّنی که با تغییر دولت‌ها دائم تغییر نکند و به‌صورت الگویی راعلی درآمده باشد، ضعف جدی داریم و باید روی آن خیلی کار کنیم. ما یک ضعف نظری از مبانی دینی خودمان داریم که آن مبانی دینی تبدیل به الگوی حکمرانی نشده است. لذا گاهی سلیقه‌ای عمل می‌شود. و خیلی اوقات وجه‌المصالحه‌ی جنگ‌های سیاسی و انتخاباتی می‌شود.

البته سطح جامعه نسبت به سالیان گذشته خیلی رشد داشته است، اما با توفّعی که از انقلاب اسلامی می‌رود و با آرمان‌هایی که داریم خیلی فاصله‌مان زیاد است. وقتی آقا می‌فرمایند الگوی ما حکومت امیرالمؤمنین صلوات‌الله علیه است، ما تصویر روشنی به‌عنوان الگو از حکومت حضرت در ابعاد مختلف ارائه نکردیم که بخواهد ملاک قرار بگیرد. بلکه کار کاریکاتوری انجام شده است، و گاهی آن را هم وجه‌المصالحه‌ی اتفاقات سیاسی کردیم. یک بخش دیگرش این است که گاهی سیاست‌های ما چون از یک الگوی جامع برداشته نشده، تعارض زیادی با هم دارند. ما بعضی اوقات با قانون نداریم، یا قانون زیادی داریم که معارض‌اند و باید در تفسیر و توجیه آن کار شود. مثلاً گاهی رفتارهایمان تولید فقر می‌کند، یا بحران‌هایی مثل دست‌کاری قیمت ارز، طلا، افزایش چندبرابری قیمت مسکن، توزیع یارانه و... که به‌شدت به زندگی مردم آسیب وارد می‌کند. عملاً قانون است، ولی غیرعادلانه است. ما قوانین غیرعادلانه کم نداریم. قوانین

هزینه می‌شد. جشن‌هایی که برای ملت ایران جز احساس انزجار و نفرت ایجاد نمی‌کرد. شاهان بی کفایت در برگزاری این جشن‌ها نیز کاملاً معروب تفکرات غربی بودند و این حرکت‌ها جز ایجاد یأس و ناامیدی برای مردم شریف ایران چیزی به همراه نداشت. در همان دوران اجازه تجمعات مذهبی در قالب‌های مردمی و در سطح ملی نیز داده نمی‌شد، همان‌طور که برای تجمعات عزاداری سید الشهداء علیه‌السلام محدودیت‌های زیادی از سوی حکومت‌های طاغوتی اعمال می‌شد. وقوع انقلاب اسلامی، هویت ملی و دینی مردم ایران را در تمامی عرصه‌ها به منصفه ظهور کشید و بن‌مایه مستحکم درونی ملت ایران را برای جهانیان نمایان ساخت. توجه به ابعاد اجتماعی اسلام، یکی از فلسفه‌های قیام ۱۵خرداد بود. جایی که امام خمینی رحمه‌الله با شناخت دقیق از باطن و درونیات مردم، روح بزرگ ملت ایران را به حرکت در آورد و به درستی در عرصه‌های مختلف آن را رهبری نمود. اسلامی که در عرصه‌های اجتماعی و جامعه حرف برای گفتن دارد و صرفاً در محدوده احکام فردی جای خوش نکرده و برای تمام شئون زندگی برنامه دارد.

«یدالله مع الجماعه» در تمامی ساحات به کمک انقلاب آمده و هرجا نیاز به حضور مردم بوده این رخ‌نمایی‌ها کار خودش را کرده است. جمع کردن بساط فتنه‌ها و اغتشاشات، حضور ۸ ساله مقابل تهاجم نظامی دشمنان، بازسازی کشور پس از جنگ تحمیلی، حضور دشمن‌شکن در صحنه‌های مختلف دینی و... از جمله کارکردهای این رخ‌نمایی‌های مردمی بوده است. در حقیقت روند اجتماعی شدن دین برای مردم نهادینه شده و تجمعات مذهبی و دینی جزء لاینفک زندگی جامعه پس از انقلاب اسلامی شده و این خود نوعی از سبک زندگی است.

جشن مردمی پیروزی انقلاب اسلامی و یا دفاع از ملت مظلومین فلسطین در روز قدس، جلوه‌های دیگری از همین مناسک و روند بروز بیشتر ابعاد اجتماعی دین است. در حقیقت این حضور پرشور و شعور مردم، نقشه‌های دشمنان شیطانی این انقلاب را نقش بر آب می‌کند و در مسیر تمدن‌سازی اسلامی دائماً در حال بازتولید ارزش‌های اسلامی در جامعه است.

کارکردهای فرهنگی و اجتماعی جشن غدیر در این میان می‌توان به این سؤال پرداخت

فرهنگی

چرا صورت اجتماعی آیین‌هایی مانند ((مهمونی۰کیلومتری غدیر)) شایسته توجه است؟

بازتولید ارزش‌ها و رزمایش همدلی و نشاط ملی در مهمانی غدیر

که رویدادی چون جشن بزرگ مهمانی غدیر و حضور میلیونی مردم در سراسر کشور چه اهمیت و کارکردهایی دارد؟ آیا چنین مراسمی صرفاً یک جشن مذهبی است؟ تفاوت این مراسم با سایر تجمعات شاد و پرنشاط در دنیا چیست؟ با بررسی این نکات، تمایز الگوی اجتماعی اسلامی نیز بیشتر نمایان می‌شود.

حقیقت این است که در مهمانی غدیر و امثال آن، اولاً مردم همه کاره‌اند به این معنا که در بطن همه امور این حرکت از موکبداری، پُخت و پز و توزیع مواد غذایی تا برگزاری جشن و سرود و نمایش، برقراری نظم و امنیت مراسم تا کمک به یکدیگر و... حاضرند. اینجا غفلتی در کار نیست و جاذبه‌ها عمدتاً معطوف به دین و ارزش‌های الهی و معنوی است. در واقع شادی منهای جلوه‌های غیراخلاقی یک ویژگی مهم چنین جشن و مناسکی است و نشانه‌ای از سرزندگی، روح بیداری، امید و نشاط بالای جامعه‌ی ایرانی است.

اولین و مهمترین کارکرد این گردهمایی و مهمانی باشکوه، چه در داخل و چه خارج از مرزها، نمایش اقتدار، همدلی، اتحاد و وحدت مثال‌زدنی ملت ایران است. طیف‌های مختلف مردم با قومیت‌های مختلف در کنار یکدیگر در این جشن بزرگ ایفای نقش می‌کنند. در حالی که یکی از نقاط اصلی طراحی دشمنان ایران اسلامی هدف قرار دادن «اتحاد و انسجام ملی» و چندپاره کردن و دوقطبی‌سازی در جامعه‌ی ایران است حس همراهی و عطوفت و مهربانی نسبت به یکدیگر در این مهمانی پیامی واضح و صریح به جهان مخایره می‌کند. حس قدرت درونی یک ملت که در تمامی عرصه‌ها، ارزش‌های خود را حفظ کرده و هر نوع فشاری را متحمل شده تا این ارزش‌ها و آرمان‌ها از بین نرود.

جامعه‌ای ایرانی خواهد بود، بالا به میدان می‌آید تا مانور همدلی، اعتماد به نفس و نشاط ملی را پیش چشم‌ان همگان قرار دهد و همه‌ی این اتفاقات خوب با تمسک به اصل «ولایت» و به مناسبت عید «غدیر» رقم زده می‌شود. از دیگر کارکردهای این حرکت و این اجتماع عظیم مردمی، توجه به سبک زندگی اسلامی و ایرانی است.

در این گردهمایی، اولاً حضور اغلب مردم به صورت خانوادگی است. خانواده سلول جامعه است و جمع تکتک این خانواده‌ها، جامعه ایرانی

را تشکیل داده است. از سوی دیگر برای هر بخش از اعضای خانواده هم برای خردسالان، نونهالان، هم نوجوانان، جوانان، مادران و پدران خانواده برنامه‌هایی در این حرکت پیش‌بینی شده بود. در نهایت چنین برنامه‌ای هم ارزش و اهمیت غدیر را به خصوص برای کودکان نمایان‌تر می‌کند و هم اینکه فضایی پر از نشاط و شور و شادی و هیجان سالم و توأم با معنویت و فرهنگ دینی برای کل اعضای خانواده ایجاد می‌کند. بنابراین این نوع حرکت‌ها و تداوم آن در قالب‌ها و اشکال دیگر، تضمین‌کننده‌ی سلامت فرهنگی خانواده و جامعه‌ی ایرانی خواهد بود.

اگر به ساخت هویت ملی و دینی توجه داشته باشیم و به دنبال نمادهای مذهبی برای این کار بگردیم، چنین رویدادی، قطعاً یکی از کارکردهایش افتخار به ایرانی بودن، هویت ایرانی داشتن و احساس تعلق به این کشور است. یکی دیگر از کارکردها و ثمرات مهم این جشن بزرگ، افزایش و رشد معنویت در مردم است. بلاشک اقبال روزافزون مردم ایران به تجمعاتی که رنگ و بوی دین و نمادها و اعتقادات دینی را دارد، شاهد و مؤید مهمی برای درک این گزاره‌ی

عدالت خواهی به سبک امیرالمؤمنین(ع)

بخش نخست

شما عادل باشد. این از واضعات عدالت است. ولی حضرت نمی‌تواند این قاضی را برکنار کند، چون اگر اغتشاش و ناامنی شود و فضای جامعه به‌هم بخورد، ظلم‌های بزرگ‌تری رخ می‌دهد. کسی که دلش برای جامعه می‌سوزد، آن‌که پدر امت است نمی‌تواند بر سر مردمش معامله نکند. پس حضرت چه کار می‌کند؟ شریح را برمی‌گردانند، منتها یک نامه می‌نویسند و می‌فرمایند فقط پست اسمی قضاوت داری، یعنی تو هیچ حکمی را تا قبل از اینکه من ندیدم نباید بکنی. اگر حکم می‌دهی و قضاوت می‌کنی باید من بخوانم و اگر تأیید کردم امضاء کن. عملاً یعنی تو قاضی نیستی. چون قاضی حکمش نافذ است. لذا قاضی هست ولی عملاً قاضی نیست.

مسئله‌ی مصلحت این‌طوری است که وقتی تراجم بین چند شر شد و نتوانستیم از این شر‌ها فرار کنیم باید شر کمتری را کسب کنیم. اگر تراجم بین چند خیر شد و نمی‌شود همه‌ی خیر‌ها را کسب کرد باید خیر بیشتری را کسب کنیم. ما هیچ‌وقت در حالت عادی دعوایمان در نظام حکمرانی سر عدل یا ظلم نیست. معمولاً سر تراجم‌ها است. یعنی عدل بیشتر و کمتر، ظلم بیشتر و کمتر. تصویب هر قانونی در جامعه دو طرف دارد.

فضای مدیریتی جامعه فضای تراجمی است. وقتی اسم مصلحت پیش می‌آید تو اتفاق خطرناک می‌افتد. اولاً عده‌ای فکر می‌کنند بیان مصلحت برای ماست‌مالی کردن است. در حالی که ما می‌گوییم سیره‌ی حضرت و سیره‌ی ائمه‌ی را با دقت نگاه کنید. ما نمی‌خواهیم با ثنائیا مصلحت خطاهایی که گاهی در حکومت‌مان رخ می‌دهد را ماست‌مالی یا لاپوشانی کنیم. ما می‌خواهیم خطاهایی که گاهی در حکومت‌مان صورت بگیرد به اسم مصلحت دبیش کنند. در حکومت حضرت اصل بر عدالت‌محوری در همه‌ی ابعادش است. اصل بر برخورد با فاسد است. حکومت حضرت یک حکومت چند بُعدی است.

ما فی‌الجمله و بالقوه الگوی عدالت داریم، ولی بالفعل نداریم. وقتی این اتفاق می‌افتد که کرسی‌های آزاداندیشی برگزار شود و ما از ابعاد مختلف حکومت امیرالمؤمنین یک الگوی پیشنهادی را برداشت کنیم، بعد این‌الگو را به فقها و متخصصین ارائه کنیم تا از آن الگویی شکل بگیرد. ما چنین کاری نکردیم. یک‌بار برای همیشه ما باید از سرمنشأهای اعتقادات و مفاهیم‌مان به یک محتوای مشخص و خروجی

مشخص برسیم.

متأسفانه افرادی هستند که طبله نشده مجتهدند، لذا خطر خوارج در آن‌ها بسیار جدی است. و هرچه را هم بگویم فحش تلقی می‌کنند. مثلاً اگر بگویم ما عدالت‌خواهیم، می‌گویند نه دروغ می‌گویند! یعنی برچسب می‌زنند و برچسب را برنمی‌دارند. به‌شدت صفر و یک‌ی‌اند. این همان مشکل تک خطی ددین است. ما خواسته یا ناخواسته نگاه جامعه‌مان به امیرالمؤمنین نگاه شریعتی است. اصلاً نگاهمان به امامت نگاه شریعتی است. این از آسیب‌های جدی است.

اگر جوانان انقلابی یا مردم عادی بخواهند الگوی عدالت‌خواهی داشته باشند باید چه کار کنند که برچسب ضدیت با عدالت نخورند؟ این موضوع یکی از مشکلات جدی ما هست. ببینید همیشه وقتی یک جریان افراطی می‌آید که مقابلش یک تفریط گسترده صورت گرفته باشد. اخباری‌گری در حوزه وقتی آمد که اصولیان را فدای خدا کردند. وقتی قاضی به منتقد به عدالتی می‌گوید به شما ربطی ندارد، به جای اینکه بگوید خدا پدرت را بیمارزد که زندگی‌ات را رها کردی و به‌دنبال عدالت هستی، می‌گوید به شما ربطی ندارد. جریان مقابل را افراطی می‌کند و همه را بدبین می‌کند.

ما در مسئله‌ی عقب‌ماندگی در زمینه‌ی عدالت به دو پایه اشکالات ساختاری و ناکارآمدی و ضعف‌های کارگزاران برمی‌خوریم. به نظر شما در این زمینه کدام یک سهم بیشتری در این عقب‌ماندگی دارند؟ تحلیل شما در این باره چگونه است؟

من فکر می‌کنم اشکال همان ضعف ساختاری و الگویی است. وقتی الگو نداشته باشید، ساختار خوبی هم ندارید. و تعارض زیادی دارید. وقتی ساختار روشن باشد و خیلی تراجم و تعارض نباشد، تصمیم‌گیری‌ها خیلی‌قدر سخت نمی‌شود. ولی تصمیم‌گیری در کشور ما خیلی مشکل است. چون برای انجام هر کاری باید با صد جا هماهنگ کرد. موازی کاری و معارض زیاد است. این اولاً از کارگزار انزری می‌گیرد. ثانیاً کارگزار را به‌سمت بعضی از اشکالات می‌برد. کسانی که کار مدیریتی می‌کنند می‌دانند که اگر بخواهند پرونده‌ی هر مدیری را بررسی کنند که مطابق قانون عمل کرده یا نه، می‌توانند اشکالاتی از آن بگیرند.

قانون یک فضایی ایجاد کرده که آن برای اینکه کارش عقب نماند مجبور است بعضی جا‌ها با قانون با تسامح برخورد کند. چون قوانین گاهی معارض‌اند با گاهی توجه به مسائل ندارند. من فکر می‌کنم اشکال اصلی ساختار است. ساختار است که آدم پرحرارت و پرشور را بعد از مدتی به یک کارمند بی‌حال تبدیل می‌کند. لذا ساختار به نظرم مهم است.

ادامه دارد...